



100

Proverbes Français
ضرب المثل فرانسوی

نویسنده:

مهندس جواد امامی کورعباسلو

Auteur:

M. l'ingénieur EMAMI KOURABBASLOU DJAVAD

بنام خداوند زمین و آسمان و کهکشان ها

100

ضرب المثل فرانسوی

Proverbes Français

نویسنده: مهندس جواد امامی کورعباسلو

طراحی گرافیک و صفحه آرایی: مهندس فرزانه حاج علیزاده

Auteur: M. l'ingénieur EMAMI KOURABBASLOU DJAVAD

Conception graphique et Mise en page: Mme. l'ingénieur HAJALIZADEH FARZANEH

ISBN: 978-622-00-2452-1

سخن نویسنده

این کتاب حاوی کاربردی ترین ضرب المثل های فرانسوی به همراه واژه ها و افعال کلیدی « مورد استفاده در مکالمات روزمره جوامع فرانسه زبان » و یک سی دی با تلفظ به فرانسه با صدای نویسنده می باشد.

کلیه مطالب این کتاب طی یک زندگی در شرایط خاص با تحقیق و تحلیل از افراد مسلط به ادبیات فرانسه با ملیت های بلژیکی جمع آوری شده است که نویسنده کاربرد هر ضرب المثل را به فارسی قابل درک شرح داده است.

هدف از انتشار این کتاب:

- آشنایی با فرهنگ جوامع فرانسه زبان؛
- درک و استفاده مناسب در جوامع فرانسه زبان؛
- شناخت انگیزه های قبلی افراد؛
- ابزاری برای تداعی تصاویر خوشایند و ناخوشایند؛
- ایجاد انگیزه استفاده برای خود و دیگران.

C'est la plume de l'Aigle qui dévore Toutes les autres.

À l'ongle on Connaît le lion.

Être la cinquième Roue du Carrosse.

Tout ce qui Brille n'est pas or.

Les bons comptes Font les bons amis.

Il ne faut Pas vendre la peau De l'ours avant de l'avoir Tué.

Être le dindon de la Farce.

Chacun se fait Fouetter à sa guise.

Cœur content, Grand talent.

L'union Fait la force.

Les envieux mourront, Mais non pas l'envie.

Un tiens vaut mieux que deux tu l'auras.

مثل بوقلمون بودن.

← فریب خورده ای که مورد تمسخر دیگران قرار می گیرد و در نهایت جان خود را نیز از دست می دهد.

قطعه ای کمدی که در آن نمایش صحنه ای غالب است؛ به طوری که در صحنه نمایش بوقلمون های زنده را بر روی یک صفحه فلزی قرار می دهند و به تدریج صفحه فلزی را تا جایی از پایین گرم می کنند که بوقلمون ها برای جلوگیری از سوختن پاهایشان آنها را یکی در میان از روی صفحه فلزی بلند می کنند؛

این حرکت از دید تماشاچیان به رقص درآمدن بوقلمون ها به نظر می رسد!

در همین حین صدایی هم که از بوقلمون ها شنیده می شود، حکم آواز خواندن آنها را برای تماشاچیان دارد؛ و در انتهای صحنه بوقلمون ها بدلیل سوختن پاهایشان دیگر قادر به حرکت و ادامه زندگی نبوده اند و به رستوران های شهر فروخته می شدند.

Être	بودن	Farce	نمایش خنده دار
Dindon	بوقلمون		

1^{er}

Être le dindon de la farce.



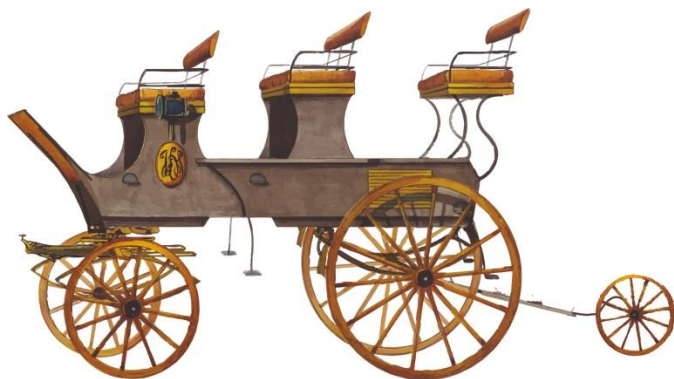
چرخ پنجم کالسکه بودن.

← وقتی که در یک فعالیت چهار نفره به تنهایی در بین دو زوج حضور داشته باشیم؛ شبیه به چرخ پنجم کالسکه خواهیم بود.

Cinquième	پنجمین	Carrosse	کالسکه
Roue	چرخ		

17^{ème}

Être la cinquième roue du carrosse.



در قلب انسان شجاع هیچ چیزی غیر ممکن نیست.

← شجاعت به بخت فرمان می دهد.

← شجاعت بر همه چیز غلبه می کند، حتی آنهایی که غیر قابل حل به نظر می رسند.

Cœur	قلب	Rien	هیچ چیزی
Vaillant	شجاع	Impossible	غیر ممکن

20^{ème}

À cœur vaillant rien d'impossible.



هر طوری که می خواهد، شلاقش را بزنید.

← خودمان انتخاب می کنیم که دیگران چگونه با ما رفتار کنند.

منشاء این ضرب المثل فرانسوی از آداب و رسوم اسپانیای باستان گرفته شده است که در آن زمان افراد مجرم را روی الاغی می نشاندد و سپس با ضربات شلاق او را از یک منطقه شهر به منطقه ی دیگری می بردند؛

زمانی که سرعت ضربات شلاق به مجرم بیشتر می شد، الاغ نیز سرعت خود را بیشتر می کرد!

این عمل زمان و مسافت جرم را برای مجرم کوتاه تر به نظر می رساند؛ به همین دلیل اکثریت مجرمان تقاضای ضربات شلاق را با سرعت بیشتری داشتند.

در کسب و کار جدید، مشاوره های جدید.

Chacun	هر کس	Affaires	کسب و کار
Fouetter	شلاق زدن	Conseil	مشاوره
Sa guise	به روش خودش		
Nouvelles/ Nouveaux			جدید

21^{ème}

Chacun se fait fouetter à sa guise.

22^{ème}

À nouvelles affaires, nouveaux conseils.

نباید گربه در جیب را معامله کنیم.

← معاملات خرید را نباید با بی احتیاطی به این سه نکته انجام دهیم:

- دیدن مورد معامله؛
- بررسی اسناد و منطقه مورد معامله؛
- دانستن ارزش مورد معامله.

باور کردن، خجالت کشیدن و فریب خوردن در معاملات؛

نقطه ضعف هایی هستند که تجارت، فکر، سلامتی و آینده ما را به خطر می اندازد.

Acheter	خرید کردن	En poche	در جیب
Chat	گربه نر		

35^{ème}

Il ne faut pas acheter chat en poche.



اتحاد به وجود آورنده قدرت است.

← دستیابی به یک موفقیت بزرگ با تلاش های گروهی امکان پذیر خواهد بود.

← در صورت متحد بودن، شکست ناپذیر خواهیم شد.

← همه قدرت ها ضعیف هستند، مگر آنکه با هم متحد شوند.

← « اتحاد قدرت است » شعار پادشاه بلژیک آلبرت دوم که همیشه به همراه طرفدارانش با صدایی بلند در پارلمان اروپا واقع در بروکسل شنیده می شد.

در این شعار، ایشان اتحاد شهروندان بلژیکی را برای حفظ نظم و امنیت کشور امری ضروری می دانند و تقسیمات آنها رونق و آینده کشور را به خطر خواهد انداخت.

Union	اتحاد	Force	قدرت
-------	-------	-------	------

38^{ème}

L'union fait la force.

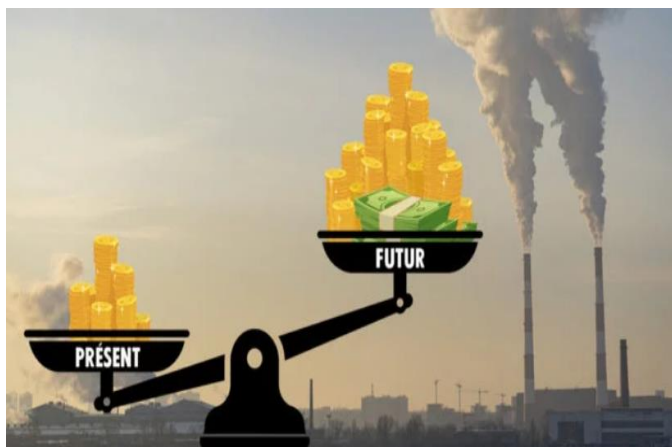


پرنده در دست را رها مکن به امید آن دو پرنده در باغ.

← اموال مان را به امید یک آینده نامعلوم نابود نکنیم.

56^{ème}

Un tiens vaut mieux que deux tu l'auras.



نباید برج ناقوس را جلوی چلاق ها به صدا درآوریم.

← در برابر افرادی که عیوب جسمانی دارند، نباید رفتارهایی را انجام بدهیم که موجب احساس کمبود یا تداعی خاطرات دردناک آنها شود.

چلاق	Boiteux	روبرو، جلوی	Devant
برج ناقوس را به صدا درآوردن	Clocher		

80^{ème}

Il ne faut pas clocher devant les boiteux.



Le répertoire des verbes clés dans la langue française

لیست افعال کلیدی در زبان فرانسه

Aller	Demander	Inviter	Promettre
Avoir	Descendre	Laisser	Permettre
Apprendre	Déjeuner	Louer	Préférer
Attendre	Dîner	Mettre	Payer
Appartenir	Douter	Manger	Préparer
Abattre	Danser	Montrer	Punir
Acheter	Deviner	Monter	Perdre
Arriver	Démissionner	Manquer	Pousser
Aimer	Dévêtir	Mourir	Répondre
Boire	Être	Mentir	Réussir
Battre	Écrire	Mémoriser	Rire
Baïsser	Écouter	Naître	Revenir
Bannir	Entendre	Narrer	Recevoir
Blesser	Entrer	Nager	Regarder
Brailler	Envoyer	Obtenir	Rester
Batailler	Eviter	Oublier	Remplir
Connaître	Embrasser	Offrir	Ranger
Comprendre	Éteindre	Ouvrir	Savoir
Choisir	Employer	Obliger	Suivre
Croire	Encourir	Occuper	Sortir
Courir	Faire	Prendre	Tenir
Chercher	Finir	Pouvoir	Travailler
Commencer	Falloir	Passer	Trouver
Craindre	Falsifier	Penser	Voir
Dire	Grandir	Parler	Vouloir
Devoir	Garder	Partir	Venir
Devenir	Glisser	Porter	Vivre
Décider	Hésiter	Proposer	Voyager
Dormir	Lire	Pleuvoir	Vendre

Clé des mots

کلید واژه ها

A		Amer	غم انگیز، تلخ
Apprendre	یاد گرفتن	Aimer	دوست داشتن
Appeler	تلفن، صدا زدن	Amour	عشق
Acheter	خریدن کردن	Adorer	عاشق بودن
Acquérir	بدست آوردن	Avancer	پیشرفت کردن
Allumer	روشن کردن	Abattre	ترور، تخریب کردن
Accompagner	همراه، همنشین	Aider	کمک کردن
Assurer	تضمین کردن	Apporter	آوردن
Attendre	صبر کردن	Amende	بها، جریمه
Aller	رفتن	Apothicaire	داروساز
Appartenir	متعلق بودن به	Avenir	آینده
Arriver	رسیدن	Abstiens	خودداری کردن
Arriver en retard	دیر رسیدن	Aigle	عقاب
Avoir	داشتن	Au danger	در خطر
Avoir honte	خجالت کشیدن	Aveugle	نابینا، کور
Avoir besoin de	نیاز داشتن	Abandon	رها کردن
Avoir des doutes	شک داشتن	Abondance	فراوانی

B		Brouiller	همه چیز را به هم ریختن
Boire	نوشیدن	Bouger	جابجا شدن
Battre	زدن، شکست دادن	Bouillir	جوشاندن، جوشیدن
Brûler	سوختن، سوزاندن	Batailler	جنگیدن، مبارزه کردن
Bâtir	ساختن، بنا کردن	Basculer	رو به رو شدن
Briller	درخشیدن	Balayer	تمیز کردن، جارو کردن
Billarder	بیلیارد بازی کردن	Bouteille	بطری
Braquer	تهدید کردن	Beaucoup	خیلی زیاد
Baïsser	کاهش دادن، پایین آوردن	Beau/ Belle	خوشگل، زیبا
Bafouer	تحقیر، اهانت کردن	Beauté	زیبایی
Bannir	اخراج کردن	Beau temps	هوای خوب
Bénéficier	سود کردن	Bon/ Bonne	خوب
Blessar	صدمه زدن، آسیب دیدن	Bossu	گوژپشت
Bousculer	هل دادن	Biens	اموال، دارایی
Blaguer	شوخی کردن	Boiteux	چلاق
Brailler	فریاد زدن	Bien	خوب
Broyer	خرد/ خمیر کردن	Bout	نوک، سر
Boursicoter	با سهام کار کردن	Borgne	فرد یک چشم
Braire	عرعر کردن	Brave	شجاع

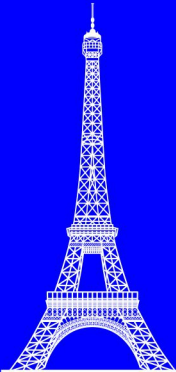
C		Chandelle	شمع
Comprendre	فهمیدن	Chanson	ترانه، آواز
Croire	باور داشتن	Couleur	رنگ
Connaître	شناختن	Chemin	مسیر، جاده
Choisir	انتخاب کردن	Coûteuse	گران قیمت
Craindre	ترسیدن	Content	شاد، خوشحال
Chercher	دنبال چیزی گشتن	Cœur	قلب
Cacher	پنهان کردن	Couronne	تاج
Cerner	درک کردن	Conseilleur	مشاور
Célébrer	جشن گرفتن	Conseil	مشاوره
Commencer	شروع کردن	Cruche	کوزه
Certifier	تأیید، تضمین کردن	Cognée	تبر
Courir	دویدن	Chat	گربه نر
Couper	چیدن، قطع کردن	Cimetière	قبرستان
Chausser	کفش پوشیدن	Cuillère	قاشق
Charbonnier	زغال فروش	Compte	حساب بانکی
Clocher	برج ناقوس	Chacun	هر کس
Calculer	محاسبه کردن	Corde	طناب
Comparaison	مقایسه	Carrosse	کالسکه



FRANCE

100

Proverbes Français
ضرب المثل فرانسوی



Auteur:

M. l'ingénieur EMAMI KOURABBASLOU DJAVAD
